

آداب معاشرت و مصاحبت

حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء

اصلي فارسی



لوح رقم (25) امر و خلق - جلد 3

۲۵ - آداب معاشرت و مصاحبت

از حضرت بهاء الله در لوحی است قوله الاعلی : قل ایاکم ان تد خلوا بیت احد الا بعد رضائه و ایاکم ان تفتخروا علی احد من عبادى بما اوتیت من زخارف الارض سوف یفنی ما ترونه الیوم و یتقی الملك لله الفرد العزیز الحمید .

و قوله تعالى فی الکتاب الاقدس : ایاکم ان تد خلوا بیتاً عند فقدان صاحبه الا بعد اذنه تمسکوا بامعروف فی کل الاحوال ولا تکتون من الغافلین .

و در کلمات مکنونه است قوله جلّ بیانه : مصاحبت ابرار را غنمیت دان و از مرافقت اشرار دست و دل هر دو بردار . . . با اشرار الفت مگیر و مؤانست مجو که مجالست اشرار نور جان را به نار حسابان تبدیل نماید . . . اگر فیض روح القدس طلبی با احرار مصاحب شو زیرا که ابرار جام باقی از کف ساقی خلد نوشیده اند و قلب مردگان را چون صبح صادق زنده و منیر و روشن نمایند . . . صحبت اشرار غم بیفزاید و مصاحبت ابرار زنگ دل بزدايد من اراد ان یأنس مع الله فلیأنس مع احبائه و من اراد ان یسمع کلمات الله فلیسمع کلمات اصفیائه . و از حضرت عبدالبهاء است قوله الناصح المشفق : آفت انسان الفت با بیخردان و کلفت اهل عرفان است چه معاشرت سرایت نماید .

و قوله المحبوب : هر نفسی مشاهده کنید که ذره حرکت نالایقی دارد و یا رائحه غیر تقدیس از او استشمام میشود البته فوراً احتراز نمائید و تجنب کنید زیرا ضرر امر الله در تقرب به آن است چه که نفسی پیدا شده اند



ORIGINAL

که اسیر نفس و هوی هستند و نام حق بر زبان میرانند این نفوس در امر الله از سم قاتل بدتر و بسیار احتیاط لازم است .

در سفرنامه آمریکا در جواب سؤال از چگونگی معاشرت با اشخاص بد عمل قوله المبین : آن نیز دو قسم است قسمی ضررش بخود صاحب عمل راجع است و متعدی نیست البته باید به حکمت شخص بد عمل را آگاه و تربیت نمود مریض است باید او را شفا داد اما قسمی که ضررش ب دیگران میرسد و معاشرت با چنان اشخاص سبب سوء اخلاق میشود درین صورت حشر با آن نفوس جائز نه مگر برای کسانی که بر منع و تربیت قادر و غالب باشند و حتی الامکان سبب تعدیل اخلاق و تحسین اطوار گردند و الا حفظ هیئت اجتماعی از مضرات اعمال آن گونه اشخاص راجع به مرکز عدل و داد است این است که در الواح جمال مبارک هم حکم معاشرت با ادیان و وحدت عالم انسان است و هم منع الفت با اشرار و احتراز از اهل نفی و انکار .

و در سفرنامه اروپا قوله العزیز : اشخاصی هستند که آلودگی آنها بدرجه است که حشر با آنها غیر مفید بلکه مضر است البته از آن گونه نفوس دوری لازم است اما کسانی هستند بد اخلاق و بد رفتار که اصلاح حال آنها ممکن است چندان نباید اجتناب نمود ولی معاشرت با آنها محض پیداری و آگاهی باشد و لکن مردمان بی حوصله بی صبر یا بی گذشت که نیت خیر دارند ولو سلوک ندارند البته نباید آنها را مبغوض دانست زیرا صادق اند نه کاذب امین اند نه خائن .

و نیز از حضرت بهاء الله در لوحی است قوله الاعلی : معاشرت با جمیع احزاب را اذن دادیم مگر نفوسی که رائحه بغضا در امر الله مولی الوری ازیشان بیابند از امثال آن نفوس احتراز لازم امرأ من لدی الله رب العرش العظیم .